

اثر آزمایشگاهی اضطراب مرگ بر پیگیری ارزش‌ها و آرزوهای ناسالم

میلاد سبزه‌آرای لنگرودی^{۱*}، نادر حاجلو^۲، سجاد بشرپور^۳، عباس ابوالقاسمی^۳

چکیده:

مقدمه: این پژوهش با دو طرح پژوهشی، رابطه‌ی میان اضطراب مرگ و ارزش‌ها و آرزوهای ناسالم (ثروت، شهرت، جذابیت ظاهری، هم‌نوایی، لذت‌جویی) را مورد بررسی قرار می‌دهد. **روش:** مطالعه اول از نوع توصیفی و همبستگی است. ۴۵۷ دانشجوی به روش نمونه‌گیری در دسترس، انتخاب و مقیاس اضطراب مرگ تمپلر (DAS) و نمایه‌ی آرزو (AI) را کامل کردند. مطالعه‌ی دوم از نوع نیمه آزمایشی و در قالب طرح گروه آزمایشی و کنترل با پس‌آزمون است. ۲۰۴ دانشجوی به روش نمونه‌گیری در دسترس، انتخاب و به‌طور تصادفی در سه گروه آزمایش (یادآوری مرگ خویشتن + آرزوهای بیرونی، هم‌نوایی و لذت‌جویی) و یک کنترل (یادآوری موضوع اضطراب‌آور غیر مرتبط با مرگ) واگذاری شدند. با اجرای تکلیف فراخوانی افکار مرتبط با مرگ و نمایه‌ی آرزو، اثر برجستگی مرگ بر ارزش‌های ناسالم در میان آن‌ها آزمون شد.

یافته‌ها: در مطالعه‌ی اول با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، رابطه‌ی مثبت معنادار میان اهمیت جذابیت ظاهری، هم‌نوایی و لذت‌جویی با اضطراب مرگ و خرده‌مقیاس‌های آن مشاهده شد. نتایج حاصل از تحلیل واریانس چندمتغیره در مطالعه‌ی دوم نیز نشان داد که برجستگی مرگ، منجر به کاهش اهمیت ارزش‌های ناسالم در گروه‌های آزمایشی در مقایسه با گروه کنترل شد. همچنین تأثیر برجستگی مرگ بر اهمیت جذابیت ظاهری و لذت‌جویی، معنادار بود.

نتیجه‌گیری: نتایج به‌دست‌آمده مطابق با مبانی نظری و پژوهشی مکاتب انسان‌گرا و وجودی و دو نظریه‌ی معاصر در حیطه‌ی روان‌شناسی اجتماعی و شخصیت، یعنی نظریه‌ی خودمختاری و نظریه‌ی مدیریت وحشت مورد بحث قرار گرفت.

واژگان کلیدی: اضطراب مرگ، ارزش‌ها و آرزوها، نظریه‌ی خودمختاری، نظریه‌ی مدیریت وحشت

^۱ دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی، * نویسنده‌ی مسئول:

miladsabzehara@alumni.ut.ac.ir

^۲ دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

^۳ استاد گروه روان‌شناسی دانشگاه گیلان

Effect of Death Anxiety on the Pursuit of Unhealthy Values and Aspirations; Studies in the Field of Social Psychology

SabzehAra Langaroudi, M.; Hajloo, N.; Basharpour, S.; Abolghasemi, A

Abstract:

Introduction: In this research the relationship between death anxiety with unhealthy values and aspirations (wealth, fame, attractiveness, conformity, hedonism) are examined under two studies.

Method: First study is descriptive and correlational. 457 students were selected by convenience sampling method and completed the Templer Death Anxiety Scale (DAS) and Aspiration Index (AI). In the second study that is experimental and by posttest with control group design. 204 students were selected by convenience sampling method and were randomly assigned to three experimental groups (reminding own death + extrinsic aspirations, conformity and hedonism), one control group (reminding topic unrelated to own death). By using the task of called death-related thoughts and the Aspiration Index tested the effect of remind of death on the unhealthy values among them.

Results: In the first study a positive association between importance of attractiveness, conformity and hedonism with death anxiety and its subscales was observed by using the Pearson correlation coefficient. The results of MANOVA in the second study showed that mortality salience decreased importance of unhealthy values in the experimental groups compared to the control group. Also, the effectiveness of mortality salience on importance of attractiveness and hedonism was meaningful.

Conclusion: The results discussed in accordance with the principles of humanistic and existential schools and two contemporary theories in the field of social and personality psychology namely Self-Determination Theory and Terror Management Theory.

Keywords: death anxiety, values and aspirations, Terror Management Theory, Self-Determination Theory.

مقدمه

اضطراب مرگ^۱ اصطلاحی برای مفهوم هراس ناشی از آگاهی نسبت به مرگ بوده (عبدالخالق^۲، ۲۰۰۵) و در واقع، بیانگر نوعی نگرش نسبت به مرگ است و با واکنش‌های منفی روان‌شناختی مشخص می‌شود (وو، تانگ و کوک^۳، ۲۰۰۲). فلاسفه، مرگ‌آگاهی را مفهومی شیرین و

¹ death anxiety

² Abdel-Khalek

³ Wu, Tang & Kwok

تلخ^۱ توصیف کرده‌اند؛ چراکه نه تنها با اضطراب، ترس و اجتناب مرتبط است بلکه الهام‌بخش بوده، با نوآوری همراه است و کمک می‌کند تا فرد به عالمی ورای خود بپیوندد (گرینبرگ، کول و پیژینسکی^۲، ۲۰۰۴). مطابق با روان‌درمانگران وجودی (یالوم^۳، ۱۳۹۳؛ ون‌دورزن^۴، ۱۳۹۴) میل به بقاء در برخورد با آگاهی از اجتناب‌ناپذیری مرگ باعث ایجاد تنش در انسان شده و مواجهه با این تعارض وجودی هسته‌ای، به عنوان بنیادی‌ترین سطح اضطراب، زمینه‌ساز زیستنی اصیل خواهد بود. هایدگر^۵ (۱۳۹۴) بیان می‌کند که اگرچه مرگ جسماً ما را نابود می‌کند، اندیشه‌ی مرگ نجاتمان می‌دهد و انسان را از شیوه غیر اصیل، منحرف، آسوده و سرشار از نگرانی‌های روزمره به شیوه‌ای اصیل و مسئولانه از زندگی انتقال می‌دهد. ون‌دورزن (۱۹۹۷)، نویسنده و روان‌درمانگر وجودی می‌نویسد: «مرگ یادآور ضروری زندگی است. تنها زمانی که مستقیماً با آن چهره به چهره می‌شویم، می‌توانیم فرصتی که برای زندگی داریم را جدی گرفته و بهترین استفاده را از آن بکنیم». محققان در حوزه‌ی روان‌شناسی وجودی^۶، مکانیسم‌های دفاعی مختلفی را در مواجهه با مرگ‌آگاهی بیان کرده‌اند. یالوم (۱۳۹۳) دو مکانیسم دفاعی بنیادین خدشه‌ناپذیری^۷ و وجود حمایت‌کننده‌ی غایی^۸ که ریشه در باور همه‌توانی^۹ و مراقبت‌گری والدین در دوران نوزادی دارند را مطرح می‌کند. نظریه‌ی مدیریت وحشت^{۱۰} (TMT، گرینبرگ، پیژینسکی و سولومن^{۱۱}، ۱۹۸۶) نیز دو دسته از مکانیسم‌های دفاعی را بیان می‌کند (پیژینسکی، گرینبرگ و سولومن، ۱۹۹۹) که عبارتند از:

۱- مکانیسم‌های دفاعی نزدیک^{۱۲}: مکانیسم‌های دفاعی که بلافاصله بعد از مرگ‌آگاهی رخ می‌دهند، افکار مرگ را از هوشیاری خارج کرده یا به آینده‌ای دور می‌افکنند و مطابق با مدل پردازش اطلاعات دوگانه^{۱۳} در سطح منطقی^{۱۴}، اخباری^{۱۵} یا آشکار^{۱۶} ذهن عمل می‌کنند مانند سرکوبی^{۱۷}.

¹ Bittersweet

² Greenberg, Koole&Pyszczynski

³ Yalom

⁴ Van Duerzen

⁵ Heidegger

⁶ existential

⁷ Inviolability

⁸ Ultimate rescuer

⁹ Omnipotence

¹⁰ Terror Management Theory

¹¹ Solomon

¹² Proximal

¹³ Dual information processing model

¹⁴ Rational

¹⁵ Declarative

¹⁶ Explicit

¹⁷ Suppression

۲- مکانیزم‌های دفاعی دور^۱: مکانیزم‌های دفاعی که به واسطه‌ی آگاهی پنهان یا ضمنی^۲ در خصوص مرگ به کار گرفته می‌شوند، افراد را در یک زمینه‌ی جاودانه و نامیرا قرار داده و مطابق با مدل پردازش اطلاعات دوگانه در سطح تجربی^۳، روندی^۴ یا پنهان ذهن عمل می‌کنند از قبیل دفاع از یک جهان‌بینی فرهنگی.

بالاخره نظریه‌ی خودمختاری^۵ نیز ارزش‌های مورد تأکید در رویای آمریکایی^۶ و فلسفه‌ی لذت‌گرایی^۷ را به عنوان دفاع‌هایی در مقابله با ناامنی‌های روان‌شناختی (از جمله اضطراب مرگ) مطرح کرده است (کاسر و رایان^۸، ۱۹۹۶؛ کاسر، ۱۳۹۵). در واقع، نظریه‌ی خودمختاری با توجه به زیربنای نظری خود در زمینه‌ی ذات انسان، نیازهای روان‌شناختی بنیادین (ارتباط^۹، خودپیروی^{۱۰} و شایستگی^{۱۱}) و انواع نظم‌بخشی‌های^{۱۲} رفتاری حاصل از ارضاء آن‌ها و حتی تمامی اهداف یا آرزوهایی که انسان‌ها ارزش‌گذاری و پیگیری می‌کنند را همخوان^{۱۳} با ذات عامل و فعال انسان ندانسته و از این‌روی، توجه صرف بر نیل به اهداف را کافی نمی‌داند. در واقع این نظریه میان اهداف و ارزش‌ها با توجه به محتوا^{۱۴} و فرآیند^{۱۵} اکتساب آن‌ها تفاوت قائل است. کاسر و رایان (۱۹۹۶) چهار آرزوی رشد شخصی یا خودپذیری^{۱۶}، ارتباط یا پیوندجویی^{۱۷}، همکاری اجتماعی یا احساس اجتماعی^{۱۸} و حفظ سلامتی را به عنوان آرزوهای ذاتی^{۱۹}؛ و سه آرزوی شهرت^{۲۰}، ثروت^{۲۱} و ظاهر یا جذابیت فیزیکی^{۲۲} را به عنوان آرزوهای بیرونی^{۲۳} مطرح کردند. در ادامه گروزت، کاسر، آهویا، دالز،

¹ Distal

² Implicit

³ Experiential

⁴ Procedural

⁵ Self-Determination Theory (SDT)

⁶ American dream

⁷ Hedonism

⁸ Kasser & Ryan

⁹ Relatedness

¹⁰ Autonomy

¹¹ Competence

¹² Regulation

¹³ Congruence

¹⁴ Content

¹⁵ Process

¹⁶ Personal growth or self-acceptance

¹⁷ Relatedness or affiliation

¹⁸ Community contribution or community feeling

¹⁹ Intrinsic

²⁰ Fame

²¹ Wealth

²² Image or physical attractiveness

²³ Extrinsic

کیم و همکاران^۱ (۲۰۰۵) جهت تعمیم بیشتر آرزوهای ذاتی و بیرونی در فرهنگ‌هایی با تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی، شناسایی تمایزات بیشتر میان اهداف ذاتی و بیرونی و شناسایی اهداف و ابعادی و رای ۷ آرزو و ۲ بعد ذاتی و بیرونی، با مطالعه بر ۱۸۵۴ دانشجوی از ۱۵ فرهنگ متفاوت، علاوه بر تأیید ابعاد ذاتی و بیرونی آرزوها که پیش از این مطرح شده بود، بعد دو قطبی دیگری از آرزوها را با عنوان آرزوهای تعالی خود^۲ در برابر آرزوهای خود جسمانی^۳ مطرح کردند که چهار آرزوی هم‌نوایی^۴، لذت‌جویی^۵، ایمنی^۶ و معنویت^۷ را شامل می‌شود. در مطالعه‌ی آن‌ها این ۱۱ آرزو در ساختاری مدور^۸ به طور یکسانی در کشورهای فقیر و غنی به دست آمدند. به این صورت که آرزوی همکاری اجتماعی علاوه بر قرار گرفتن در بعد ذاتی، گرایشی را به بعد تعالی خود نشان داد. درحالی‌که دو آرزوی سلامتی و موفقیت مالی علاوه بر قرارگیری در بعد ذاتی و بیرونی گرایشی را به بعد خود جسمانی نشان دادند. در میان ۴ آرزوی جدید نیز آرزوی معنویت در بعد تعالی خود و آرزوی لذت‌جویی در بعد خود جسمانی قرار گرفت، آرزوی ایمنی نیز گرایشی را به ابعاد ذاتی و خود جسمانی نشان داد و آرزوی هم‌نوایی نیز گرایشی را به ابعاد بیرونی و تعالی خود نشان داد.

مطالعات انجام شده در این نظریه در سطوح مختلف فرهنگی، اقتصادی، سنی و جنسیتی نشان داده است که پیگیری و ارزش‌گذاری محوری آرزوهای بیرونی با بهزیستی و سلامت روان‌شناختی پایین و در مقابل، ارزش‌گذاری آرزوهای ذاتی با پیامدهای مثبت روان‌شناختی همراه است (برای مرور این یافته‌ها کاسر، ۱۳۹۵ را ببینید). برای مثال، تمرکز زیاد بر اهدافی از قبیل پول و مقام با صمیمیت کمتر و کنترل بیشتر فرزندان (کاسر، رایان، زاگس^۹ و سامروف^{۱۰}، ۱۹۹۵)، ماکیاولی‌گرایی^{۱۱} (مک‌هاوسکی^{۱۲}، ۱۹۹۹)، نگرش‌های تعصب‌آمیز قومی و نژادی و نگرش منفی نسبت به چندفرهنگی شدن کشورها (دریز، ونستینکیست، سنز و دی‌وایت^{۱۳}، ۲۰۰۷؛ دریز، ۲۰۱۱ الف، ب)، تعاون کمتر و حرص بیشتر برای منابع (شلدون، شلدون و اسبالدیستن^{۱۴}، ۲۰۰۰) و زندگی به طرقتی

¹ Grouzet, Kasser, Ahuvia, Fernandez-Dols, Kim & et al.

² Self-transcendence

³ Physical-self

⁴ Conformity

⁵ Safety

⁶ Hedonism

⁷ Spirituality

⁸ Circumplex

⁹ Zax

¹⁰ Sameroff

^{۱۱} Machiavellism، اهمیت دادن به قدرت و موفقیت‌های مالی که در اندیشه‌های ماکیاولی سیاست‌مدار

ایتالیایی دیده می‌شود.

¹² McHoskey

¹³ Duriez, Vansteenkiste, Soenens & De Witte

¹⁴ Sheldon, Sheldon & Osbaldiston

آسیب‌رسان به محیط زیست (براون^۱ و کاسر، ۲۰۰۵) مرتبط بود. به‌علاوه در مطالعه‌ی کاسر (۲۰۱۱) با استفاده از داده‌های آرشیوی ۲۰ ملت ثروتمند نشان داده شد، ارزش‌هایی که یک ملت بر آن‌ها تأکید می‌کند بر خطمشی‌ها و سیاست‌هایی که آن ملت وضع می‌کند و اعمالی که پیگیری می‌کند که ممکن است بهزیستی کودکان فعلی و نسل‌های آتی ملت را کاهش یا افزایش دهند تأثیر می‌گذارد.

تبیین این نظریه در خصوص یافته‌های فوق این است که آرزوهای ذاتی به دلیل فرآیند اکتساب خودمختارشان (این آرزوها اغلب به‌واسطه‌ی انگیزش‌های ذاتی^۲ و همسان‌سازی شده^۳ پیگیری می‌شوند) و ارضاء نیازهای بنیادین روان‌شناختی با پیامدهای مثبت همراه بوده و به‌طور عکس، آرزوهای بیرونی به دلیل فرآیند اکتساب غیرخودمختارشان (این آرزوها اغلب به‌واسطه‌ی انگیزش‌های بیرونی^۴ و درون‌فکنی شده^۵ پیگیری می‌شوند) و عدم ارضاء نیازهای روانی با پیامدهای منفی همراهاند (دچی^۶ و رایان، ۲۰۰۰).

اگرچه تمامی افراد در پی کسب امکانات مادی جهت ارضاء نیازهای فیزیولوژیک پایه‌ای و اساسی خود هستند اما برخی به شدت بر پیگیری‌های مادی متمرکزند. مطالعات این حوزه نشان داده است که ارتباطی متقابل میان ناامنی ناشی از عدم ارضاء نیازهای روانی و فیزیولوژیک و ارزش‌گذاری محوری آرزوهای بیرونی وجود دارد (کاسر، ۱۳۹۵). در واقع، ارزش‌های مادی و ماتریالیسم هم نشانه‌ای از نایمنی زیربنایی و هم نشانه‌ای از راهبردی مقابله‌ای‌اند (اگرچه راهبردی نسبتاً نامؤثر) که برخی افراد برای التیام ناامنی‌ها و اضطراب‌های‌شان (از جمله اضطراب‌مرگ) به کار می‌گیرند. برای مثال، بکر^۷ (۱۹۷۵) بیان می‌کند که انسان‌ها نسبت به پول به عنوان ابزاری برای جاودانگی و توانایی آن برای متورم ساختن خویشتن فرد تمایل دارند. چراکه پول می‌تواند وضعیت طبیعی فرد را از ناچیزی، درماندگی، فانی بودن به بزرگی، کنترل، جاودانگی و اهمیت داشتن تغییر دهد.

روی‌هم‌رفته، مطابق با متفکران وجودی و نظریه‌ی مدیریت وحشت که سعی دارد تا نظریات متفکران کلاسیک در حوزه‌ی مرگ و دغدغه‌های وجودی را در پژوهش‌های آزمایشی مورد بررسی قرار دهد، یادآوری مرگ خویشتن و اضطراب مرگ می‌تواند جهت حفظ حرمت خود و دفاع از

^۱ Brown

^۲ intrinsic motivation، انجام رفتار به‌واسطه‌ی لذت و چالش موجود در خود رفتار (دچی و رایان، ۲۰۰۰).

^۳ identified motivation، انجام رفتار به‌واسطه‌ی شناسایی مزایا و سودمندی‌های موجود در آن رفتار (دچی و رایان، ۲۰۰۰).

^۴ extrinsic motivation، انجام رفتار برای کسب پاداش‌های بیرونی و یا اجتناب از تنبیهات بیرونی (دچی و رایان، ۲۰۰۰).

^۵ introjected motivation، انجام رفتار برای اجتناب از احساس اضطراب و شرم درونی (دچی و رایان، ۲۰۰۰).

^۶-Deci

^۷-Becker

جهان‌بینی فرهنگی (سبزه‌آرای لنگرودی، ابوالقاسمی و محمدی، ۱۳۹۳) به صورت دو وجهی شیوه‌های رفتاری متفاوتی از مادی‌گرایی (کاسر و شلدون، ۲۰۰۰؛ خوناس^۱، سالیوان^۲ و گرینبرگ، ۲۰۱۳)، دوگماتیسم^۳ (یقین نسبتاً غیرقابل تغییر و غیرقابل توجیه نسبت به درستی افکار و باورهای خود) و خشونت‌طلبی (فریشلیچ، ریگر، هین و بنتی^۴، ۲۰۱۵) تا معنویت‌گرایی (جانگ، هالبراستات و بلومک^۵، ۲۰۱۲؛ کوهن^۶، سنک^۷، گرینبرگ و سولومون، ۲۰۱۳)، نوع‌دوستی و تعاون اجتماعی (کای و ویر^۸، ۲۰۱۵) را برانگیزاند که در نهایت با پیامدهای متفاوتی برای سلامت و بهزیستی روان‌شناختی فرد همراه‌اند (یالوم، ۱۳۹۳؛ کاسر، ۱۳۹۵).

با توجه به این که تاکنون مطالعه‌ای در خصوص چگونگی رابطه‌ی اضطراب مرگ و اثر برجستگی مرگ^۹ (شرایطی که مرگ، انسان را به سطح هوشیار و آگاهی وی می‌کشاند) بر ابعاد ناسالم آرزوهای افراد انجام نشده است، پژوهش حاضر سعی دارد چگونگی رابطه‌ی میان مرگ‌آگاهی و آرزوهای بیرونی شهرت، ثروت و زیبایی، آرزوی هم‌نویی که گرایش به ابعاد بیرونی و تعالی خود دارد و آرزوی لذت‌جویی جنسی و جسمانی که گرایش به بعد خود جسمانی دارد را در دو مطالعه مورد بررسی قرار دهد. در مطالعه‌ی اول، هدف پژوهش بررسی چگونگی رابطه‌ی میان آرزوهای ناسالم با اضطراب مرگ است و در مطالعه‌ی دوم، جهت بررسی رابطه‌ی علت و معلولی، تأثیر شرایط برجستگی مرگ و انتقال اضطراب مرگ به سطح هوشیار ذهن بر میزان ارزش‌گذاری این آرزوها مورد آزمون قرار می‌گیرد.

روش

مطالعه‌ی اول: این مطالعه از نوع توصیفی و همبستگی است. ۴۵۷ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان (۳۰۲ زن، ۱۲۱ مرد و ۳۴ نفر گزارش نشده) در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و مقیاس‌های مورد نظر به صورت دفترچه در گروه‌های ۲۰ تا ۳۰ نفری بدون نام و با رعایت رضایت مشارکت‌کنندگان بر روی آن‌ها اجرا شد. میانگین سنی و انحراف استاندارد نمونه‌ی حاضر به ترتیب ۲۶/۰۷ و ۸/۴۱ بود.

¹ Jonas

² Sullivan

³ dogmatism

⁴ Frischlich, Rieger, Hein&Bente

⁵ Jong, Halberstadt, &Bluemke

⁶ Cohen

⁷ Soenke

⁸ Cai&Wyer

⁹ mortality salience

مطالعه‌ی دوم: این مطالعه از نوع آزمایشی و در قالب طرح پس‌آزمون با گروه کنترل است. تعداد ۲۰۴ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و برای اجرای کاربندی^۱ پژوهش به طور تصادفی به سه گروه آزمایشی و یک گروه کنترل واگذاری^۲ شدند. گروه آزمایشی به سه گروه تقسیم شد تا پس از پاسخگویی به تکلیف فراخوانی افکار مرگ، افراد هر گروه (گروه آرزوهای بیرونی، گروه آرزوی همنوایی و گروه آرزوی لذت‌جویی) تنها به یک بُعد آرزوها پاسخ دهند و اثر مداخله‌گر پاسخگویی به سایر ابعاد آرزوها پس از برجستگی مرگ (که در صورت اتخاذ تنها یک گروه آزمایشی رخ می‌داد) خنثی شود. گروه آزمایشی برجستگی مرگ به‌علاوه‌ی آرزوهای بیرونی (۳۰ زن، ۱۸ مرد و ۷ نفر گزارش نشده) با میانگین سنی ۲۴/۲۰ و انحراف استاندارد ۶/۵۱؛ ۵۰ نفر، گروه آزمایشی برجستگی مرگ به‌علاوه‌ی آرزوی همنوایی (۲۳ زن، ۲۲ مرد و ۵ نفر گزارش نشده) با میانگین سنی ۲۳/۱۲ و انحراف استاندارد ۵/۶۳؛ ۵۰ نفر، گروه آزمایشی برجستگی مرگ به‌علاوه‌ی آرزوی لذت‌جویی (۳۵ زن، ۱۲ مرد و ۳ نفر گزارش نشده) با میانگین سنی ۲۴/۳۵ و انحراف استاندارد ۶/۱۷ و ۴۹ نفر گروه کنترل (۳۵ زن، ۱۳ مرد و ۱ نفر گزارش نشده) با میانگین سنی ۲۵/۳۰ و انحراف استاندارد ۹/۰۴ را تشکیل دادند.

ابزار

مقیاس اضطراب مرگ تمپلر (مطالعه‌ی ۱): مقیاس اضطراب مرگ تمپلر^۳ دارای ۱۵ ماده بوده و پرکاربردترین مقیاس برای سنجش اضطراب مرگ است. شرکت‌کنندگان پاسخ خود را به هر ماده در یک پیوستار ۵ درجه‌ای (۱= کاملاً غلط، ۵= کاملاً درست) رتبه‌بندی می‌کنند. نمره‌های این مقیاس بین ۱۵ تا ۷۵ متغیراند که نمره‌ی بالاتر بیانگر اضطراب مرگ شدیدتر است. تمپلر، لایوی، چلگوجیان و توماس دابسون^۴ (۱۹۹۰) ضریب بازآزمایی این مقیاس را ۰/۸۳ به‌دست آورده‌اند. کوتنی، وینر و پلاچیک^۵ (۱۹۸۲) پایایی دونیمه‌سازی مقیاس را ۰/۷۶ و همبستگی هر سؤال با نمره‌ی کل را از ۰/۳۰ تا ۰/۷۴ و با میانگین ۰/۴۴ برای گروه دانشجویان گزارش کردند. در مطالعه‌ی محمدی، نوری مقدم، شهسوارانی و سبزه‌آرای لنگرودی (۱۳۹۲) همسانی درونی مقیاس ۰/۷۸ و پایایی دونیمه‌سازی آن ۰/۷۳ به‌دست آمد.

تکلیف فراخوانی افکار مرتبط با مرگ (مطالعه‌ی ۲): برای فراخوانی افکار مرتبط با مرگ خویشتن به سطح توجه کانونی شرکت‌کنندگان در گروه آزمایش (برجستگی مرگ)، از ابزار

^۱ Treatment

^۲ Assignment

^۳ Templer Death Anxiety Scale (DAS)

^۴ Templer, Lavoie, Chalgujian & Thomas-Dobson

^۵ Conte, Weiner & Plutchik

برجسته‌سازی افکار مرتبط با مرگ گرینبرگ، پیزینسکی، سولومون، رزنبلات، ویدر و همکاران (۱۹۹۰) استفاده شد. افکار مذکور به‌وسیله‌ی درخواست از شرکت‌کنندگان برای جواب به دو سؤال باز درباره‌ی مرگ‌شان فراخوانده می‌شوند. این دو سؤال عبارتند از: ۱- وقتی به مرگ خود فکر می‌کنید، چه احساساتی در شما ایجاد می‌شود؟ (شرح دهید) و ۲- به‌طور مشخص توضیح دهید که چه اتفاقاتی بعد از مرگ برای جسم شما روی می‌دهد؟ این روش در اکثر آزمایش‌های مشابه به‌کار گرفته شده است (برای مثال، آرنت و سولومون، ۲۰۰۳).

نمایه‌ی آرزو (مطالعه‌های ۱ و ۲): این نسخه از نمایه‌ی آرزو^۱ مبتنی بر نسخه‌های اولیه (کاسر و رایان، ۱۹۹۳، ۱۹۹۶؛ سبزه‌آرای لنگرودی، سرافراز و قربانی، ۱۳۹۳) و دارای ۴۷ ماده است و پاسخ‌دهنده با ۱۱ آرزو در ۲ بُعد آرزوهای ذاتی-بیرونی و آرزوهای تعالی خود-خود جسمانی مواجه می‌شود و می‌بایست میزان اهمیت و شانس دست‌یابی به هر هدف را بر مقیاسی ۹ درجه‌ای (۱= اصلاً، ۹= به‌شدت) ارزیابی کند. در مطالعه‌ی گروزت و همکاران (۲۰۰۵)، میانگین و میانه‌ی آلفای کرونباخ عوامل در ۱۵ کشور به ترتیب در موفقیت مالی ۰/۸۴ و ۰/۸۳، زیبایی ۰/۷۴ و ۰/۷۶، هم‌نوایی ۰/۶۷ و ۰/۶۲، شهرت ۰/۷۳ و ۰/۷۱، خودپذیری ۰/۷۹ و ۰/۷۳، پیوندجویی ۰/۸۱ و ۰/۷۵، احساس اجتماعی ۰/۷۵ و ۰/۷۱، سلامت جسمانی ۰/۷۲ و ۰/۷۴، لذت‌جویی ۰/۷۰ و ۰/۷۲، امنیت ۰/۷۱ و ۰/۷۰ و معنویت ۰/۹۰ و ۰/۸۷ به‌دست آمد. در این مطالعه، ابعاد ناسالم آرزوها مورد استفاده قرار گرفتند. همسانی درونی اهمیت شهرت ۰/۸۳، اهمیت ثروت ۰/۸۴، اهمیت ظاهر ۰/۸۱، اهمیت هم‌نوایی ۰/۸۶ و اهمیت لذت‌جویی ۰/۸۱ به‌دست آمد.

در مطالعه‌ی دوم پس از تقسیم شرکت‌کنندگان به سه گروه آزمایش و یک گروه کنترل، شرکت‌کنندگان گروه‌های آزمایشی به دو سؤال باز در ارتباط با مرگ خویشتن (تکلیف فراخوانی افکار مرتبط با مرگ) پاسخ دادند و گروه کنترل نیز احساسات و هیجانات خود را در پاسخ به دو سؤال باز در ارتباط با یک موضوع اضطراب‌آور غیرمرتبط با مرگ (دندان‌درد و مراجعه به دندان‌پزشکی) بیان کردند. موضوع دندان‌درد در اکثر بررسی‌های نظریه مدیریت وحشت به‌عنوان موضوع گروه کنترل به‌کار رفته است. سپس از شرکت‌کنندگان خواسته شد، تایک متن با موضوع خنثی را که خواندن آن در حدود ۵ دقیقه زمان لازم دارد، روخوانی کنند. منظور از موضوع خنثی موضوعی است که هیجان غیر معمول، به‌ویژه اضطراب در شرکت‌کنندگان ایجاد نکند. در این پژوهش یک پاراگراف ساده از یک داستان انتخاب و به شرکت‌کنندگان ارائه شد. ارائه‌ی موضوع خنثی بدین علت است که پیزینسکی و همکاران (۱۹۹۹)، ایجاد یک فاصله (۳ الی ۵ دقیقه‌ای) بین برجسته کردن افکار مرگ و اندازه‌گیری متغیر وابسته را در افزایش دسترسی‌پذیری افکار مرگ پیشنهاد می‌کنند (به‌واسطه‌ی به‌کارگیری مکانیزم دفاعی سرکوبی و ایجاد اثر بازگشتی^۲ افکار مرگ). سپس تمامی شرکت‌کنندگان به نمایه‌ی آرزو پاسخ دادند. گروه آزمایشی آرزوهای بیرونی پس از

^۱ Aspiration Index (AI)

^۲ Rebound effect

برجستگی مرگ به ماده‌های مرتبط با سه آرزوی شهرت، ثروت و زیبایی پاسخ دادند. گروه آزمایشی آرزوی هم‌نوایی به ماده‌های مرتبط با هم‌نوایی پاسخ دادند و گروه آزمایشی آرزوی لذت‌جویی نیز ماده‌های این ارزش را کامل کردند. سعی شد تا با برقراری سکوت و رفع سایر محرک‌های محیطی مزاحم، متغیرهای مداخله‌گر بر اثرگذاری برجستگی مرگ خنثی شوند.

یافته‌ها

جدول ۱، شاخص‌های توصیفی اضطراب مرگ و آرزوهای ناسالم در مطالعه‌ی اول را نشان می‌دهد.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی اضطراب مرگ و ارزش‌ها و آرزوهای ناسالم (مطالعه‌ی ۱)

تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	
۴۱۳	۲/۶۹	۰/۴۴	نمره‌ی کل اضطراب مرگ
۴۲۸	۲/۶۶	۰/۶۷	ترس از مرگ
۴۲۰	۲/۷۹	۰/۶۱	ترس از مرگ رنج‌آور
۴۲۳	۲/۷۵	۰/۶۱	ترس از گذر زمان
۴۲۴	۲/۵۴	۰/۷۳	عدم تحمل ابهام
۳۵۷	۶/۲۱	۱/۶۵	اهمیت زیبایی
۳۶۰	۶/۷۷	۱/۶۵	اهمیت ثروت
۳۶۶	۶/۷۴	۱/۷۷	اهمیت شهرت
۳۶۵	۵/۶۱	۱/۴۷	اهمیت هم‌نوایی
۳۷۶	۶/۵۲	۱/۶۳	اهمیت لذت‌جویی

میانگین و انحراف استاندارد اهمیت پنج آرزو در مطالعه‌ی دوم به تفکیک گروه‌های آزمایش و کنترل در جدول ۲ منعکس شده است.

جدول ۲- شاخص‌های توصیفی ارزش‌ها و آرزوهای ناسالم (مطالعه‌ی ۲)

گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
اهمیت شهرت	گروه آزمایش	۴۷	۵/۷۰
	گروه کنترل	۴۷	۶/۴۶
	جمع	۹۴	۶/۰۸
اهمیت ثروت	گروه آزمایش	۴۷	۶/۵۱
	گروه کنترل	۴۷	۶/۸۶
	جمع	۹۴	۶/۶۹
اهمیت زیبایی	گروه آزمایش	۴۷	۶/۶۵
	گروه کنترل	۴۷	۶/۷۷
	جمع	۹۴	۶/۷۱
اهمیت همنوایی	گروه آزمایش	۴۷	۵/۴۶
	گروه کنترل	۴۷	۵/۵۲
	جمع	۹۴	۵/۴۹
اهمیت لذت‌جویی	گروه آزمایش	۴۷	۶/۲۳
	گروه کنترل	۴۷	۶/۶۵
	جمع	۹۴	۶/۴۴

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود میانگین تمامی آرزوها در گروه آزمایشی در مقایسه با گروه کنترل پایین‌تر است. به عبارت دیگر، برجستگی مرگ به کاهش اهمیت ابعاد ناسالم آرزوها منجر شده است. به منظور بررسی رابطه‌ی میان اهمیت آرزوها با اضطراب مرگ از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. در جدول ۳ ماتریس همبستگی بین متغیرهای مذکور ارائه شده است.

جدول ۳- ماتریس همبستگی اضطراب مرگ و ارزش‌ها و آرزوهای ناسالم (مطالعه‌ی ۱)

مؤلفه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱ نمره‌ی کل اضطراب مرگ										
۲ ترس از مرگ	۰/۷۵**									
۳ ترس از مرگ رنج‌آور	۰/۸۳**	۰/۴۶**								
۴ ترس از گذر زمان	۰/۶۱**	۰/۳۰**	۰/۴۰**							
۵ عدم تحمل ابهام	۰/۵۹**	۰/۳۳**	۰/۳۹**	۰/۱۸**						
۶ اهمیت زیبایی	۰/۱۹**	۰/۱۲*	۰/۲۱*	۰/۱۰	۰/۰۹					
۷ اهمیت ثروت	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۰۰	۰/۵۶**				
۸ اهمیت شهرت	۰/۰۲	۰/۰۰	۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۰۲	۰/۵۷**	۰/۶۶**			
۹ اهمیت همنوایی	۰/۱۴*	۰/۱۰	۰/۱۱*	۰/۰۸	۰/۱۴*	۰/۴۹**	۰/۴۱**	۰/۴۸**		
۱۰ اهمیت لذت‌جویی	۰/۱۸*	۰/۱۹*	۰/۲۳**	۰/۱۰	۰/۰۹	۰/۴۲**	۰/۴۵**	۰/۴۱**	۰/۳۵**	

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، همبستگی مثبت معنادار بین نمره‌ی کل اضطراب مرگ با اهمیت زیبایی، هم‌نوایی و لذت‌جویی وجود دارد (به ترتیب ضرایب همبستگی ۰/۱۹، ۰/۱۴ و ۰/۱۸). به‌علاوه، اهمیت زیبایی و لذت‌جویی به‌طور مثبتی با خرده‌مقیاس ترس از مرگ (به ترتیب ضرایب همبستگی ۰/۱۲ و ۰/۱۹)، اهمیت زیبایی، هم‌نوایی و لذت‌جویی با خرده‌مقیاس ترس از مرگ رنج‌آور (به ترتیب ضرایب همبستگی ۰/۲۱، ۰/۱۱ و ۰/۲۳) و اهمیت هم‌نوایی با خرده‌مقیاس عدم تحمل ابهام (ضریب همبستگی ۰/۱۴) رابطه دارند. جهت بررسی همگنی واریانس‌ها از آزمون لوین^۱ استفاده شد که در جدول ۴ نشان داده شده است.

^۱ Levene's Test for Equality of Variances

جدول ۴- آزمون لوین جهت بررسی همگنی واریانس‌ها (مطالعه‌ی ۲)

Sig.	F	df1	df2	
۰/۸۲	۰/۰۴	۱	۹۲	اهمیت ثروت
۰/۱۷	۱/۸۸	۱	۹۲	اهمیت شهرت
۰/۸۸	۰/۰۲	۱	۹۲	اهمیت زیبایی
۰/۲۹	۰/۸۱	۱	۹۲	اهمیت هم‌نوایی
۰/۷۶	۰/۰۸	۱	۹۲	اهمیت لذت‌جویی

عدم معناداری آزمون لوین (جدول ۴) نشان‌دهنده‌ی همگنی واریانس‌ها است. برای بررسی معناداری اثر برجستگی مرگ بر اهمیت آرزوها از تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد (جدول ۵).

جدول ۵- نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره‌ی ارزش‌ها و آرزوهای ناسالم (مطالعه‌ی ۲)

شرح	متغیر وابسته	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذور	F	معناداری توان	اندازه‌ی اثر
برجستگی مرگ	اهمیت زیبایی	۱	۱۳/۷۸	۶/۵۴	۰/۰۱	۰/۶۹
	اهمیت ثروت	۱	۲/۸۹	۱/۰۷	۰/۳۰	۰/۰۱
	اهمیت شهرت	۱	۰/۳۰	۰/۱۲	۰/۷۲	۰/۰۰
	اهمیت هم‌نوایی	۱	۳/۹۷	۱/۴۸	۰/۲۲	۰/۰۵
	اهمیت لذت‌جویی	۱	۱۱/۹۴	۵/۹۲	۰/۰۴	۰/۴۴

نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره‌ی اثر برجستگی مرگ بر پنج آرزو، بیانگر اثر معنادار برجستگی مرگ بر اهمیت زیبایی و لذت‌جویی است. معناداری شاخص لامبدا ویلکس^۱ نیز نشان‌دهنده‌ی تأثیرپذیری آرزوها از شرایط برجستگی مرگ است ($P = ۰/۰۳$ و $F = ۲/۴۵$ ، $Wilks' Lambda = ۰/۹۵$).

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در دو مطالعه، چگونگی رابطه میان ارزش‌ها و آرزوهای ناسالم (ثروت، شهرت، زیبایی، هم‌نوایی و لذت‌جویی) با اضطراب مرگ و تأثیر شرایط برجستگی مرگ بر میزان ارزش‌گذاری بر این آرزوها را مورد بررسی قرار داد. مطابق با یافته‌های پژوهش، رابطه‌ی مثبت

^۱ Wilks' lambda

معنادار میان اهمیت جذابیت ظاهری، هم‌نوایی و لذت‌جویی جنسی و جسمانی با اضطراب مرگ و خرده‌مقیاس‌هایش در مطالعه‌ی اول مشاهده شد. به‌علاوه، یافته‌های حاصل از مطالعه‌ی دوم نشان داد که برجستگی مرگ منجر به کاهش اهمیت این پنج آرزودر گروه‌های آزمایشی در مقایسه با گروه کنترل شد. همچنین تأثیر برجستگی مرگ بر اهمیت جذابیت ظاهری و لذت‌جویی معنادار بود. مطابق با مطالعه‌ی اول که هم‌سو با مطالعات انجام شده توسط کاسر و کاسر (۲۰۰۱) و محمدی و همکاران (۱۳۹۲) است، ارزش‌گذاری بیشتر ارزش‌ها و اهداف ناسالم با اضطراب مرگ بیشتر همراه است و در واقع مطابق با نظریه‌پردازن وجودی (یالوم، ۱۳۹۳؛ کاسر، ۱۳۹۵)، آرزوها و اهدافی که بیشتر از ارضاء نیازهای روان‌شناختی فرد به‌واسطه‌ی کسب تأیید و تحسین دیگران ارزش‌گذاری و پیگیری می‌شوند، راهبردهای مقابله‌ای مؤثری برای برخورد با دغدغه‌های غایی^۱ نیستند. در رابطه با آرزوهای بیرونی شهرت، ثروت و زیبایی، مطالعات نشان داده‌اند که افراد با ارزش‌گذاری بر این آرزوها در ارتباطات بین فردی و اجتماعی خود روابطی کمتر عاشقانه داشته و دوستی‌هایشان را بیشتر پر تعارض و کمتر شاد و مطمئن تجربه می‌کنند (کاسر و رایان، ۲۰۰۱). آن‌ها ارزش کمتری به رفتارهای نوع‌دوستانه می‌دهند (شوارتز^۲، ۱۹۹۲) و در صورت کمیاب شدن فرصت‌ها بیشتر از اینکه با دوستان خود همکاری کنند، با آن‌ها رقابت می‌کنند (شلدون و همکاران، ۲۰۰۰) و به دلیل تلاش در جهت نشانه‌های بیرونی موفقیت و دغدغه‌ی زیاد به تأیید و نظر دیگران، بیشتر به مقایسه‌های اجتماعی پراسترس می‌پردازند (پاتریک، نیبرس و نی^۳، ۲۰۰۴). هم‌نوایی نیز مطابق با مدل شوارتز (۱۹۹۲) در زمینه‌ی ارزش‌های فردی و اجتماعی، از یک‌سو با ارزش‌های پیوندجویانه رابطه دارد چرا که در مدل وی مجاور با ارزش‌های خیرخواهی^۴ (تلاش برای افزایش رفاه اعضاء گروه خودی^۵ از قبیل دوستان و خانواده) بود اما از آنجا که هم‌نوایی اصولاً برای کسب تحسین و نگرش مثبت دیگران است (کاسر، ۲۰۰۲)، اشتراک زیادی با آرزوهای بیرونی شهرت و زیبایی دارد. همچنان‌که این میل به پیوند با دیگران و کسب تأیید آن‌ها در مطالعه‌ی کلاسیک آس (۱۹۵۱) در رابطه با هم‌نوایی نیز مشاهده شد. آرزوی لذت‌جویی جنسی و جسمانی نیز آشکارا با بدن ارتباط دارد و تمرکز اصلی بر لذت (بیشتر از امنیت) آن را از حیطة‌ی آرزوهای ذاتی خارج می‌کند و از طرفی در بسیاری از مواقع راهی است برای اجتناب از اضطراب (بامایستر^۶، ۱۹۹۱)، هرچند که این کاهندگی اضطراب کوتاه مدت بوده و ناخوشی‌های بعدی را به همراه خواهد داشت (کراکر و ولف^۷، ۲۰۰۱).

^۱ Ultimate concerns

^۲ Schwartz

^۳ Patrick, Neighbors & Knee

^۴ Benevolence

^۵ Ingroup

^۶ Baumeister

^۷ Crocker & Wolf

در همین رابطه، کاسر و کاسر (۲۰۰۱) با هدف بررسی ارتباط میان نایمینی در خصوص نیازهای جسمانی (بقاء) و روانی (ارتباط، شایستگی و خودپیروی) و گرایش به مادی‌گرایی به عنوان دفاعی جهت تسکین آن، دانشجویان دوره‌ی کارشناسی که نمرات مادی‌گرایی بر نمایه‌ی آرزو، آن‌ها را در مقایسه با همسالان‌شان جزو ۱۰ درصد بالا یا پایین قرار داده بود را مورد بررسی قرار دادند. سپس از آن‌ها خواستند که دو مورد از معنادارترین، به‌یادماندنی‌ترین و قوی‌ترین رؤیاهایشان را که در زندگی‌شان به یاد دارند بیان کنند.

آن‌ها سه تفاوت را در رؤیاهای افراد با مادی‌گرایی زیاد و کم یافتند که یکی از این تفاوت‌ها در خصوص مرگ بود. مرگ در رؤیاهای افراد به شدت مادی‌گرا نقش بیشتری را بازی می‌کرد. این موضوع در خود رؤیا یا در تداعی‌های رؤیا در ۲۰/۵ درصد رؤیاهای افراد مادی‌گرا در مقایسه با تنها ۳ درصد از رؤیاهای افراد کمتر مادی اشاره شده بود. برای مثال، در رؤیاهای دو فرد به شدت مادی‌گرا افرادی ظاهر شده بودند که در زندگی در عالم بیداری مرده بودند و فرد دیگری این رؤیا را دیده بود که «زنی همچون شیخ که لباس سیاهی پوشیده بود ... از صلیب {یک کلیسا} حلق‌آویز شده بود و مرا صدا می‌زد». برای سایر افرادی که به شدت اهداف مادی را ارزش‌گذاری کرده بودند، مرگ حتی زمانی که به طور آشکار در رؤیا ظاهر نشده بود به‌صورت یک تداعی مهم اشاره شده بود. دومین تفاوت نیز مرتبط با نایمینی بود. ۱۵ درصد از رؤیاهای افراد در گروه به شدت مادی‌گرا در مقایسه با ۳ درصد از رؤیاهای افراد در گروه کمتر مادی‌گرا سقوط^۱ را در برداشت. سقوط تقریباً به طور همگانی توسط نظریه‌پردازان به عنوان تظاهر نایمینی (ون‌دی کستل^۲، ۱۹۹۳)، از کنترل خارج شدن فرد، پس‌رفت کردن و نداشتن چیزی برای حفظ کردن تأویل شده است. دو فرد از گروه به شدت مادی‌گرا، سقوط درون آتش، نفر سوم سقوط از سقف انبار غله و چهارمین نفر نگرانی در خصوص سقوط از جرثقیل را گزارش کرده بودند.

تفاوت دیگر میان گروه‌ها این بود که در رؤیاهای افراد به شدت مادی‌گرا نگرش بسیار متفاوتی به اشیای ترسناک نشان داده شده بود. به‌طور خاصی ۱۸ درصد از رؤیاهای گروه کمتر مادی‌گرا شبیهی اساساً ترسناک را به این صورت که خیلی هم وحشتناک نبود مجدداً قالب‌بندی کرده بود؛ هیچ فردی از گروه به شدت مادی‌گرا به این شکل با ترس‌هایش مواجه نشده بود. برای مثال، دو نفر از گروه کمتر مادی‌گرا در رؤیایشان ابتدا از یک کرگدن و یک سگ پشمالوی ارغوانی غول‌پیکر ترسیده بودند اما بعداً فهمیده بودند که نیت حیوانات خوب است. سایر افراد این گروه فهمیده بودند که فرد مهاجم به آن‌ها واقعاً «مردی خوب و شاد» بود یا کاملاً مطمئن بودند که به آن‌ها آسیب نخواهند رساند. حتی یکی از آن‌ها گزارش کرده بود، در حالی که با استفاده از تخته سنگی مجبور به فرار به طرف پایین صخره‌ها شده بود، «بعضی اوقات این کار به جای فرار به نوعی سرگرمی شبیه

¹ Falling

² Van de Castle

بود». این رویاها بیان می‌کنند افرادی که خیلی نگران پیگیری‌های مادی نیستند نسبت به آن‌هایی که گرایشی به شدت مادی دارند ممکن است توانایی بیشتری برای غلبه بر ناایمنی‌ها داشته باشند. در خصوص یافته‌ی به‌دست آمده در مطالعه‌ی دوم که همسو با مطالعات انجام شده توسط جانگ و همکاران (۲۰۱۲)، کوهن و همکاران (۲۰۱۳) و کای و ویر (۲۰۱۵) است، می‌توان گفت که مرگ‌آگاهی همان‌طور که از یکسو، موجب برانگیختن اضطراب و به‌کارگیری مکانیزم‌های دفاعی نزدیک (مکانیزم‌هایی که افکار مرگ را از سطح هوشیار ذهن خارج می‌کنند از قبیل انکار و سرکوبی) و دور (مکانیزم‌هایی که جاودانگی نمادینی به فرد می‌بخشند و باوری از خدشه‌ناپذیری و وجود نجات‌دهنده‌ی غایی را در وی شکل می‌دهند) می‌شود. از سوی دیگر، به‌صورت تجربه‌ای برانگیزاننده، سبب می‌شود تا فرد در پی یافتن معنایی در زندگی خود بوده و شیوه‌ای اصیل^۱ از زندگی را در پیش گیرد (یالوم، ۱۳۹۳؛ پیزینسکی و همکاران، ۱۹۹۹). برای مثال، در پژوهش انجام شده توسط ماکلامز و بلاسکوویچ^۲ (۲۰۱۱) در دو مطالعه نشان داده شد که پس از قرار گرفتن افراد (آسیایی-آمریکایی) در شرایط برجستگی مرگ، آن‌ها نگرش مثبت‌تر و رفتار نועدوستانه‌تری را نسبت به فردی مغایر با هنجارهای فرهنگی (یک زن روسپی) نشان دادند. به‌علاوه، در مطالعه‌ی دوم نیز فردی که در یک تصادف رانندگی بدون هیچ‌گونه تقصیری فلج شده بود را کمتر سرزنش کردند.

اگرچه میانگین تمامی ارزش‌های ناسالم در گروه آزمایشی در مقایسه با گروه کنترل به‌واسطه‌ی برجستگی مرگ کاهش یافت، اما عدم معناداری سه آرزوی ثروت، شهرت و هم‌نوایی احتمالاً تبیینی فرهنگی دارد؛ چراکه مطابق با ساختار مدور^۳ به‌دست آمده در مطالعه‌ی گروزت و همکاران (۲۰۰۵)، هسته‌ی اصلی هر سه‌ی این آرزوها بیشتر گرایش‌های پیوندجویانه، کسب تأیید و تحسین دیگران و نزدیکی به بُعد تعالی خود است؛ اما دو آرزوی زیبایی و لذت‌جویی دارای گرایش‌های جسمانی بوده و نزدیک‌تر به بُعد خود جسمانی‌اند. برای مثال، آرزوی هم‌نوایی چه در کشورهای فقیرتر از قبیل کلمبیا، رومانی، بلغارستان، مصر و هند و چه در کشورهای ثروتمندتر از قبیل آمریکا، فرانسه، اسپانیا، آلمان و استرالیا به بُعد بیرونی (و آرزوی شهرت) و تعالی خود گرایش داشت. این موضوع شاید بیان‌کننده‌ی این مطلب است که در جامعه‌ی ایرانی که نسبت به کشورهای غربی، فرهنگی جمع‌گراتر داشته و کسب تأیید و نظر مثبت دیگران از اهمیت بیشتری برخوردار است به دنبال برجستگی مرگ، کاهش این قبیل ارزش‌ها کمتر خواهد بود. البته این یافته نیازمند بررسی‌های بیشتر است. این پژوهش نیز با محدودیت‌هایی همراه بود. اگرچه نسخه‌ی قبلی نمایه‌ی آرزو (کاسر و رایان، ۱۹۹۶) در فرهنگ ایرانی، ساختار عاملی مشابه با فرهنگ‌های دیگر نشان داده است (سبزه‌آرای لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۴)، اما اعتبار و پایایی نسخه‌ی جدید نمایه‌ی آرزو (گروزت و همکاران،

¹ Authentic

² Ma-Kellams&Blascovich

³ Circumplex

(۲۰۰۵) نیاز به بررسی بیشتر در جامعه‌ی ایران دارد، روش نمونه‌گیری در دسترس، تعمیم یافته‌ها به جامعه را با محدودیت مواجه می‌سازد. طرح آزمایشی پژوهش مانع از آن شد که بتوان ارزش‌گذاری مشارکت‌کنندگان در گروه‌های کنترل و آزمایشی بر آرزوهای ناسالم را پیش از قرارگرفتن در شرایط برجستگی مرگ در اختیار داشت. همچنین حجم کم نمونه و استفاده از ابزارهای خودگزارشی که با سوگیری در ارائه‌ی پاسخ‌ها همراه‌اند از دیگر محدودیت‌های این پژوهش می‌باشند. دو بعد ذاتی و بیرونی ارزش‌ها در جامعه‌ی ایرانی نیز همچون آمریکا (کاسر و رایان، ۱۹۹۶)، روسیه (رایان، شیرکف، لیتل، شلدن، تیموشینا و دچی^۱، ۱۹۹۹)، آلمان (شماک^۲، کاسر و رایان، ۲۰۰۰)، کره جنوبی (کیم، کاسر و لی^۳، ۲۰۰۳) و اسپانیا (رمرو، گومز-فریگل و ویلار^۴، ۲۰۱۲) مورد تأیید قرار گرفته است (سبزه‌آرا، فرگوسن، سرافراز و محمدی، ۲۰۱۴)، اما بررسی دقیق‌تر ابعاد خود جسمانی و تعالی خود در فرهنگ ایرانی لازم است. به‌علاوه اثرگذاری اضطراب مرگ بر آرزوها و ارزش‌های سالم و ناسالم مقوله‌ی دیگری است که در جامعه‌ی ایرانی با توجه به شرایط متفاوتی که به لحاظ فرهنگی، مذهبی و اجتماعی و اقتصادی نسبت به جوامع غربی دارد لازم است.

منابع

- سبزه‌آرای لنگرودی، میلاد؛ ابوالقاسمی، عباس و محمدی، مصطفی (۱۳۹۳). بررسی فرضیه‌های بنیادین نظریه مدیریت وحشت. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۴، ۱۳، ۳۱-۴۵.
- سبزه‌آرای لنگرودی، میلاد؛ سرافراز، مهدی‌رضا و قربانی، نیما (۱۳۹۴). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی شاخص آرزو. مطالعات روان‌شناختی، ۱۱، ۱، ۹۷-۱۱۴.
- کاسر، تیم (۱۳۹۵). بهای سنگین مادی‌گرایی. ترجمه‌ی میلاد سبزه‌آرا و مصطفی محمدی. تهران: انتشارات ققنوس.
- محمدی، مصطفی؛ نوری مقدم، ثنا؛ شهسوارانی، امیر محمد و سبزه‌آرای لنگرودی، میلاد (۱۳۹۲). مقایسه رابطه حرمت خود با سلامت روانی در پیش‌بینی اضطراب مرگ. مجله علوم روان‌شناختی، ۱۲، ۴۷، ۳۴۳-۳۶۴.
- ون دورزن، امی (۱۳۹۴). مشاوره و روان‌درمانی وجودی در عمل. ترجمه‌ی احمدرضا کیانی و یاسمن جمشیدیان. تهران: انتشارات ارجمند.
- هایدگر، مارتین (۱۳۹۴). هستی و زمان. ترجمه سیاوش جمادی. تهران: انتشارات ققنوس.
- یالوم، اروین (۱۳۹۳). روان‌درمانی اگزستانسیال. ترجمه‌ی سپیده حبیب. تهران: نشر نی.

¹ Ryan, Chirkov, Little, Sheldon, Timoshina & Deci

² Schmuck

³ Kim, Kasser & Lee

⁴ Romero, Gomez-Fraguel & Villar

- Abdel-Khalek, A. M. (2005). Death anxiety in clinical and non-clinical groups. *Death Studies*, 29, 251-259.
- Arndt, J., & Solomon, S. (2003). The control of death and the death of control: The effects of mortality salience, neuroticism, and worldview threat on the desire for control. *Journal of Research in Personality*, 37, 1-22.
- Asch, S. E. (1951). Effects of group pressure upon the modification and distortion of judgments. In H. Guetzkow (Ed.), *Groups, leadership and men* (pp. 177-190). Pittsburgh, PA: Carnegie Press.
- Baumeister, R. F. (1991). *Escaping the self: Alcoholism, spirituality, masochism, and other flights from the burden of selfhood*. New York: Basic Books.
- Becker, E. (1975). *Escape from evil*. New York, NY: The Free Press.
- Brown, K. W., & Kasser, T. (2005). Are psychological and ecological well-being compatible? The role of values, mindfulness, and lifestyle. *Social Indicators Research*, 74, 349-368.
- Cai, F., & Wyer, R. S. (2015). The Impact of Mortality Salience on the Relative Effectiveness of Donation Appeals. *Journal of Consumer Psychology*, 25, 101-112.
- Cohen, F., Soenke, M., Solomon, S., & Greenberg, J. (2013). Evidence for a role of death thought in American attitudes toward symbols of Islam. *Journal of Experimental Social Psychology*, 49, 189-194.
- Conte, H.R., Weiner, M.B., & Plutchik, R. (1982). Measuring death anxiety: Conceptual, psychometric, and factor-analytic aspects. *Journal of Personality and Social Psychology*, 43, 4, 775-785.
- Crocker, J., & Wolfe, C. T. (2001). Contingencies of self-worth. *Psychological Review*, 108, 593-623.
- Deci, E. L. & Ryan, R. M. (2000). The “what” and the “why” of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*, 11, 227-268.
- Duriez, B., Vansteenkiste, M., Soenens, B., & De Witte, H. (2007). The social costs of extrinsic relative to intrinsic goal pursuits: Their relation with social dominance and racial and ethnic prejudice. *Journal of Personality*, 75, 757-782.
- Duriez, B. (2011a). Understanding the effects of parental extrinsic versus intrinsic goal promotion on adolescent ethnic prejudice. *Journal of Social Psychology*, 151, 441-454.
- Duriez, B. (2011b). The social costs of extrinsic relative to intrinsic goal pursuits revisited: The moderating role of general causality orientation. *Personality and Individual Differences*, 50, 684-687.
- Frischlich, L., Rieger, D., Hein, M., & Bente, G. (2015). Dying the right-way? Interest in and perceived persuasiveness of parochial extremist propaganda increases after mortality salience. *Frontiers in Psychology: Evolutionary Psychology and Neuroscience*.
- Greenberg, J., Pyszczynski, T., & Solomon, S. (1986). The causes and consequences of a need for self-esteem: A terror management theory. In

Baumeister, R. F. Public self and private self, pp. 189-212. New York: Springer-Verlag.

Greenberg, J., Pyszczynski, T., Solomon, S., Rosenblatt, A., Veeder, M., Kirkland, S., & Lyon, D. (1990). Evidence for terror management II: The effects of mortality salience on reactions to those who threaten or bolster the cultural worldview. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 308-318.

Greenberg, J., Koole, S. L., & Pyszczynski, T. (2004). *Handbook of experimental existential psychology*. New York, NY: The Guilford Press.

Grouzet, F. M. E., Kasser, T., Ahuvia, A., Dols, J. M. F., Kim, Y., Lau, S. & Ryan, R. (2005). The structure of goal contents across 15 cultures. *Journal of Personality and Social Psychology*, 89, 5, 800-816.

Jonas, E., Sullivan, D., & Greenberg, J. (2013). Generosity, greed, norms, and death – Differential effects of mortality salience on charitable behavior. *Journal of Economic Psychology*, 35, 47-57.

Jong, J., Halberstadt, J., & Bluemke, M. (2012). Foxhole atheism, revisited: The effects of mortality salience on explicit and implicit religious belief. *Journal of Experimental Social Psychology*, 48, 983-989.

Kasser, T., & Ryan, R. M. (1993). A dark side of the American dream: Correlates of financial success as a central life aspiration. *Journal of Personality and Social Psychology*, 65, 410-422.

Kasser, T., Ryan, R. M., Zax, M., & Sameroff, A. J. (1995). The relations of maternal and social environments to late adolescents' materialistic and prosocial values. *Developmental Psychology*, 31, 907-914.

Kasser, T., & Ryan, R. M. (1996). Further examining the American dream: Differential correlates of intrinsic and extrinsic goals. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 22, 80-87.

Kasser, T., & Sheldon, K. M. (2000). Of wealth and death: Materialism, mortality salience, and consumption behavior. *Psychological Science*, 11, 348-351.

Kasser, T., & Kasser, V. G. (2001). The dreams of people high and low in materialism. *Journal of Economic Psychology*, 22, 693-719.

Kasser, T. (2002). Sketches for a self-determination theory of values. In E. L. Deci & R. M. Ryan (Eds.), *Handbook of self-determination research* (pp. 123-140). Rochester, NY: University of Rochester Press.

Kasser, T. (2011). Cultural Values and the Well-Being of Future Generations: A Cross-National Study. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 42, 206-215.

Kim, Y., Kasser, T., & Lee, H. (2000). Self-concept, aspirations, and wellbeing in South Korea and the United States. *Journal of social psychology*, 143, 277-290.

Ma-Kellams, C., & Blascovich, J. (2011). Culturally Divergent Responses to Mortality Salience. *Psychological Science*, 22, 1019-1024.

McHoskey, J. W. (1999). Machiavellism, intrinsic versus extrinsic goals, and social interest: A self-determination theory analysis. *Motivation and Emotion*, 23, 267-283.

Patrick, H., Neighbors, C., & Knee, C. R. (2004). Appearance-related social comparisons: The role of contingent self-esteem and self-perceptions of attractiveness. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 30, 501-514.

Pyszczynski, T., Greenberg, J., & Solomon, S. (1999). A dual process model of defense against conscious and unconscious death-related thoughts. An extension of terror management theory. *Psychological Review*, 106, 835-845.

Romero, E., Gomez-Fraguel, J. A., & Villar, P. (2012). Life Aspirations, Personality Traits and Subjective Well-being in a Spanish Sample. *European Journal of Personality*, 26, 45-55.

Ryan, R. M., Chirkov, V. I., Little, T. D., Sheldon, K. M., Timoshina, E., & Deci, E. L. (1999). The American dream in Russia: Extrinsic aspirations and well-being in two cultures. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 25, 1509-1524.

SabzehAra, M., Ferguson, Y. L., Sarafraz, M. R., & Mohammadi, M. (2014). An Investigation of the Associations between Contingent Self-Worth and Aspirations among Iranian University Students. *Journal of Social Psychology*, 154, 59-73.

Schmuck, P., Kasser, T., & Ryan, R. M. (2000). Intrinsic and extrinsic goals: Their structure and relationship to well-being in German and U.S. college students. *Social Indicators Research*, 50, 225-241.

Schwartz, S. H. (1992). Universals in the content and structure of values: Theoretical advances and empirical tests in 20 countries. In M. P. Zanna (Ed.), *Advances in experimental social psychology* (Vol. 25, pp. 1-65). Orlando, FL: Academic Press.

Sheldon, K. M., Sheldon, M. S., & Osbaldiston, R. (2000). Prosocial values and group assortment within an N-person prisoner's dilemma. *Human Nature*, 11, 387-404.

Templer, D. I., Lavoie, M., Chalgujian, H., & Thomas-Dobson, S. (1990). The measurement of death depression. *Journal of Clinical Psychology*, 46, 834-839.

Van de Castle, R. L. (1993). The content of dreams. In M. A. Carskadon (Ed.), *Encyclopedia of sleep and dreaming* (pp. 136-139). New York: Macmillan.

Van Deurzen, E. (1997). *Everyday mysteries – Existential dimensions of psychotherapy*. London, England: Routledge.

Wu, A. M. S., Tang, C. S. K., & Kwok, T. C. Y. (2002). Death anxiety among Chinese elderly people in Hong Kong. *Journal of Aging & Health*, 14, 1, 42-56.